

راهبردهای اصلاح ناترازی شبکه بانک در کشور

زهرا طهماسبی^۱

چکیده

در حال حاضر شبکه بانکی با بحران ناترازی شایان توجهی روبه‌روست که پیامدهای گسترده‌ای برای اقتصاد کشور به همراه دارد. به‌رغم وجود برنامه‌های اصلاحی و معدود سیاست‌های پیش‌بینی‌شده، تلاش‌های انجام‌شده قادر به کاهش این بحران نبوده‌اند. وضعیت بحرانی شاخص‌های کلیدی مانند نسبت کفایت سرمایه، مطالبات غیرجاری و نسبت تسهیلات به سپرده در بانک‌ها، شبکه بانکی را به نقطه‌ای حساس رسانده و مخاطرات جدی‌ای برای آن ایجاد کرده است. یکی از پیامدهای اصلی این بحران، تشدید تورم است. استقراض مکرر بانک‌ها از بانک مرکزی و خلق بی‌ضابطه نقدینگی به‌طور مستقیم به افزایش نرخ تورم می‌انجامد. افزون‌براین، کاهش تسهیلات متأثر از ناترازی شبکه بانکی نیز بر رشد اقتصادی تأثیر منفی می‌گذارد. بررسی‌های صورت‌گرفته نشان می‌دهد علت اصلی ناترازی در شبکه بانکی به مجموع عوامل نظارتی و ساختاری بازمی‌گردد. هدف از این پژوهش بررسی ابعاد ناترازی بانکی و تحلیل سیاست‌های انجام‌شده در راستای مقابله با آن است. این نوشتار به دنبال شناسایی راهکارهایی است که بتوانند وضعیت موجود را بهبود بخشند و ثبات بیشتری برای سیستم بانکی ایجاد کنند. از مهم‌ترین این راهکارها می‌توان به نظارت بر شاخص‌های کلیدی، الزام بر خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری، بهبود استانداردهای گزارش‌دهی، تقویت ترازنامه شبکه بانکی و پیگیری روبه‌ادغام و انحلال بانک‌های خاطی اشاره کرد.

واژگان کلیدی: ناترازی بانکی، کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری.

مقدمه

شرایط اقتصادی پیچیده و پرچالش ایران، سیستم بانکی را به یکی از ارکان حیاتی در تأمین مالی و مدیریت جریان نقدینگی کشور مبدل ساخته است. یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی که بانک‌های ایرانی با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند، پدیده‌ای به نام ناترازی بانکی است. این پدیده عمدتاً از عدم توازن کیفی میان دارایی‌ها و بدهی‌ها، ضعف در نظارت نهاد ناظر و سیاست‌های پولی و مالی ناپایدار ناشی شده است.

کاهش کفایت سرمایه، افزایش مطالبات غیرجاری و افزایش نسبت وام به سپرده از جمله معیارهای اساسی در شناخت این معضل هستند که وخامت در آن‌ها، توان شبکه بانکی در ایفای نقش اصلی خود یعنی واسطه‌گری مالی را با افت شدید همراه خواهد ساخت.

تداوم و استمرار این وضعیت منجر به بحران‌های اقتصادی مانند کاهش توان اعطای تسهیلات بانکی، افزایش نرخ سود بانکی، استقراض از بانک مرکزی و

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

کشور - به‌ویژه در برنامه هفتم - همواره در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی بوده و هست. با این حال، با گذشت بالغ بر یک سال از اجرای این برنامه، بررسی‌های اخیر گویای تداوم بحران‌ها و ایجاد پیچیدگی‌های بیشتر در آن است. برای ترسیم معضل ناترازی در کشور، بررسی و تبیین شاخص‌های کلیدی در ارزیابی سلامت نظام بانکی شامل نسبت کفایت سرمایه، نسبت مطالبات غیرجاری و نسبت تسهیلات به سپرده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

۱-۱- نسبت کفایت سرمایه

نسبت کفایت سرمایه که با تقسیم سرمایه پایه بر مجموع دارایی‌های موزون‌شده به ضرایب ریسک و برحسب درصد محاسبه می‌شود، یکی از شاخص‌های اساسی در ارزیابی سلامت بانک‌ها به شمار می‌آید. این نسبت نخستین بار در سال ۱۳۳۳ توسط کمیته بال، با هدف اعلام حداقل سرمایه و به جهت ارزشیابی مدیریت ریسک بانکها معرفی شد (فراهانی و صبوری، ۱۳۹۹). این متغیر با نمایش نسبت سرمایه بانک‌ها به دارایی‌های ریسک‌پذیر، به توان شبکه بانکی در پوشش‌دهی ریسک‌های احتمالی اشاره دارد. طبق الزامات تعریف‌شده، حداقل نسبت کفایت سرمایه در شبکه بانکی ۸ درصد مقرر شده است. این در حالی است در سطوح پایین‌تر از این مقدار، توان بانک در پوشش‌دهی ریسک کاهش می‌یابد حال آنکه در مقادیر بالاتر از این سطوح، بانک به‌طرز مؤثری قادر به پوشش‌دهی ریسک و تخصیص بهینه منابع مالی خود خواهد بود.

بررسی‌ها در خصوص اقتصاد ایران مطابق نمودار شماره (۱) گواه این است که ۱۱ بانک از ۲۹ بانک

خلق پول بی‌ضابطه و به‌موازات آن تورم و کاهش رشد اقتصادی می‌شود. این بحران نه‌تنها از منظر اقتصادی، بلکه از منظر امنیت داخلی نیز کشور را با چالش‌های جدی مواجه خواهد ساخت. این در حالی است که شبکه بانکی در جایگاه ستون فقرات اقتصاد کشور در تأمین مالی بنگاه‌ها نقش‌آفرینی دارد و هرگونه اختلال در این سیستم، پیامدهای گسترده‌ای را در دیگر بخش‌های اقتصادی مانند تولید، سرمایه‌گذاری و اشتغال به همراه خواهد داشت.

پژوهش حاضر درصدد است تا با استفاده از آمارهای رسمی، به برآورد شاخص‌های اساسی در مصورسازی نمای ناترازی بانکی در کشور بپردازد. هدف از آن نیز شناسایی علل، بررسی سیاست‌های اجراشده تاکنون و ارائه راهکارهای مؤثر در راستای کنترل این معضل در کشور است. در ادامه، ضمن بررسی وضعیت ناترازی در شبکه بانکی و پیامدهای حاصل از آن، اهم دلایل ایجادکننده این معضل تشریح خواهد شد. پس از آن، به سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در راستای کنترل این بحران اشاره می‌شود. در انتها نیز ضمن تبیین ملاحظات امنیت اقتصادی این مسئله، به بیان نتایج و ارائه راهکارهای مؤثر برای حل این معضل پرداخته خواهد شد.

۱- بررسی ناترازی شبکه بانکی در کشور

ناترازی بانکی ازجمله چالش‌های بنیادین در نظام مالی کشور است که به‌رغم برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده برای اصلاح و کاهش آن، همچنان به‌عنوان یکی از معضلات حل‌نشده در شبکه بانکی باقی مانده است. این در حالی است که حل این معضل در برنامه‌های توسعه اقتصادی

اصلاحات ساختاری فوری و نظارت ویژه از سوی نهاد ناظر برای بازسازی وضعیت مالی خود هستند.

نمودار ۱- نسبت کفایت سرمایه شبکه بانکی کشور

در سال ۱۴۰۲ (درصد)



مأخذ: صورت‌های مالی بانک‌ها منتهی به اسفند سال ۱۴۰۲.

مورد بررسی، به لحاظ کفایت سرمایه وضعیت مطلوبی را به ثبت رسانده‌اند. به‌طور خاص، بانک‌هایی مانند «ایران - ونزوئلا» با نسبت ۳۹/۹ درصد، «توسعه صادرات» با نسبت ۱۶/۶۷ درصد و «خاورمیانه» با نسبت ۱۳/۷ درصد، با تکیه بر نسبت‌های بالاتر از استاندارد حداقلی در کفایت سرمایه، ظرفیت بالاتری در مدیریت ریسک‌های اقتصادی و بحران‌های مالی از خود نشان خواهند داد. در مقابل، بانک‌های متوسط به لحاظ کفایت سرمایه در وضعیت بحرانی قرار دارند؛ به‌گونه‌ای که ۱۸ بانک در این دسته قرار می‌گیرند. بررسی‌ها حاکی است از این تعداد، ۹ بانک به لحاظ کفایت سرمایه در وضعیت نامطلوب قرار دارند؛ به‌طوری‌که با نسبت کفایت سرمایه‌ای مثبت و کمتر از میزان استاندارد، در معرض آسیب‌پذیری بیشتری در برابر بحران‌های مالی و اقتصادی قرار دارند.

همچنین، ۹ بانک در وضعیت بحرانی و نگران‌کننده‌ای از منظر کفایت سرمایه قرار دارند. بانک‌هایی مانند «آینده» با نسبت منفی ۳۶۰/۵۲ درصد، «سرمایه» با نسبت منفی ۳۲۸ درصد، ایران-زمین با نسبت منفی ۶۹/۶ و «دی» با نسبت منفی ۵۵/۲ درصد، در شرایطی به سر می‌برند که با کفایت سرمایه بسیار ضعیف، تهدیدات جدی برای ثبات مالی آن‌ها وجود دارد. این بانک‌ها عملاً به دلیل کفایت سرمایه منفی، توانایی کافی برای مدیریت بحران‌ها و حفظ ثبات مالی خود ندارند و نیازمند

۱. نسبت کفایت سرمایه در بانک‌های مهر ایران، سپه و ایران‌زمین به ترتیب بر اساس صورت‌های مالی منتهی به شهریور سال ۱۴۰۳، اسفند ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ است.

زمینه برخوردارند. این بانک‌ها به واسطه توانمندی در مدیریت ریسک‌های اعتباری، قادر به حفظ نقدینگی و انجام دادن عملیات بانکی با ریسک کمتر هستند که این موضوع می‌تواند مبنای مناسبی برای پیشبرد سیاست‌های اعتباری در آینده باشد.

در مقابل، تعدادی از بانک‌ها با نسبت‌های بالای مطالبات غیرجاری روبه‌رو هستند که این وضعیت تهدیدات جدی برای عملکرد مالی و پایداری آن‌ها در پی دارد. بانک‌هایی مانند «سرمایه» با نسبت ۷۴ درصد، «صنعت و معدن» با نسبت ۴۹/۱ درصد، «آینده» با نسبت ۳۳/۵ درصد و «دی» با نسبت ۲۵/۵۵ درصد، از بالاترین نسبت‌های مطالبات غیرجاری برخوردارند. این موضوع نشان‌دهنده ضعف‌های جدی در مدیریت ریسک‌های اعتباری و نیاز به مداخلات اصلاحی فوری است. چنین وضعیتی در شرایط نوسانات اقتصادی و تورمی می‌تواند تهدیدات قابل توجهی برای ثبات مالی این بانک‌ها و کل اقتصاد کشور به وجود آورد.

بنابراین، ضروری است که بانک‌های با نسبت مطالبات غیرجاری بالا در اولویت اقدامات اصلاحی قرار گیرند تا از بروز بحران‌های احتمالی جلوگیری و توانمندی این بانک‌ها در ایفای تعهدات مالی تقویت شود.

ازجمله پیامدهای آشکار ناترازی شبکه بانکی در کشور، روند روبه‌رشد «بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی» است. آمارها در این خصوص بیان می‌کنند.

بانک‌هایی مانند «آینده» با نسبت منفی ۳۶۰/۵۲ درصد، «سرمایه» با نسبت منفی ۳۲۸ درصد، ایران‌زمین با نسبت منفی ۶۹/۶ و «دی» با نسبت منفی ۵۵/۲ درصد، در شرایطی به سر می‌برند که با کفایت سرمایه بسیار ضعیف، تهدیدات جدی برای ثبات مالی آن‌ها وجود دارد.

۱-۲- نسبت مطالبات غیرجاری

مطالبات غیرجاری ازجمله دیگر نسبت‌های کلیدی در ارزیابی سلامت مالی در شبکه بانکی است و افزایش آن، نشانه‌ای از مشکلات جدی در مدیریت ریسک اعتباری تلقی می‌شود. این نسبت که بیان‌کننده میزان مطالبات معوق، سررسید گذشته و مشکوک‌الوصول از تسهیلات اعطایی به مشتریان است، تأثیرات مستقیمی بر نقدینگی و پایداری بانک‌ها در فعالیتهای اقتصادی دارد. نسبت مطالبات غیرجاری بالاتر از حد معمول به‌ویژه در شرایطی که بانک‌ها منابع خود را به وام‌های پرریسک اختصاص داده‌اند، می‌تواند بر کیفیت دارایی‌های بانک تأثیر منفی بگذارد و مشکلات نقدینگی ایجاد کند.

بررسی وضعیت نسبت مطالبات غیرجاری در شبکه بانکی کشور مطابق نمودار شماره (۲) حاکی است برخی بانک‌ها با نسبت‌های پایین در مطالبات غیرجاری در وضعیت مطلوبی قرار دارند. به‌طور خاص، بانک‌هایی مانند «مهر ایران» با نسبت ۰/۴ درصد، «توسعه تعاون» با نسبت ۰/۵ درصد و «سامان» با نسبت ۱/۴۲ درصد، از مدیریت مناسبی در این

نمودار ۲- نسبت مطالبات غیر جاری شبکه بانکی کشور در سال ۱۴۰۲ (درصد)



مأخذ: صورت‌های مالی بانک‌ها منتهی به اسفند سال ۱۴۰۲ و محاسبات پژوهش.

۳-۱- نسبت تسهیلات به سپرده

نسبت تسهیلات به سپرده از جمله دیگر نسبت‌های کلیدی در ارزیابی سلامت مالی شبکه بانکی در کشور است. این نسبت نشان‌دهنده میزان استفاده بانک‌ها از منابع سپرده‌ای برای اعطای تسهیلات است. بالا بودن این متغیر نشان‌دهنده تبدیل بخش عمده‌ای از سپرده‌ها به تسهیلات

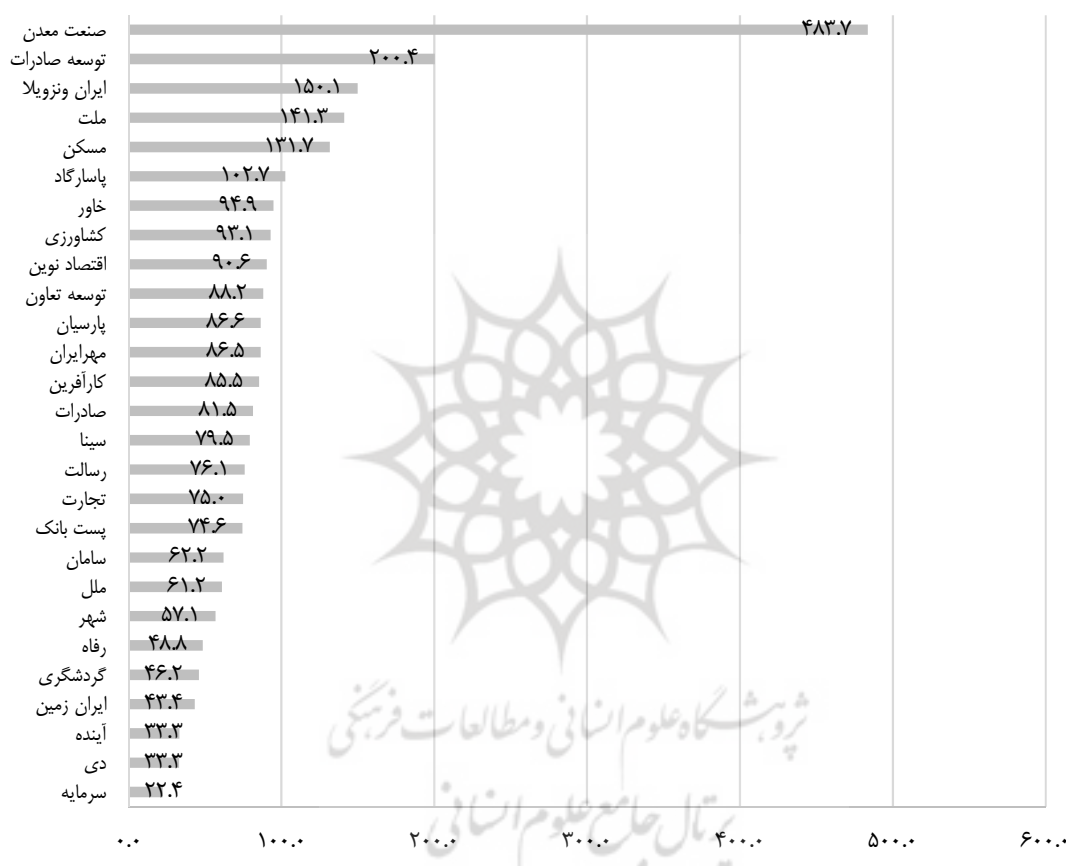
است که در صورت تداوم منجر به افزایش ریسک نقدینگی بانک می‌شود. در چنین شرایطی بانک‌ها به‌منظور تأمین نقدینگی مورد نیاز خود، ناگزیر به استقراض از بانک مرکزی یا بازار بین‌بانکی خواهند بود. در مقابل، پایین بودن این نسبت حاکی است که بانک سهم کمتری از سپرده‌های جذب‌شده را به تسهیلات اختصاص داده است و بخش بیشتری از منابع را به‌صورت نقد، سرمایه‌گذاری در دیگر دارایی‌ها یا ابزارهای مالی دیگر نگهداری می‌کند. این رویکرد افزون‌بر انباشت نقدینگی در بانک‌ها و ورود منابع به دیگر دارایی‌ها، به کاهش دسترسی بخش‌های اقتصادی به منابع مالی و در نتیجه، کند شدن رشد اقتصادی منجر می‌شود. بررسی آمارهای مرتبط با شبکه بانکی کشور مطابق نمودار شماره (۳) نشان می‌دهد بانک «صنعت و معدن» با نسبت ۴۸۴ درصد، «توسعه صادرات» با نسبت ۲۰۰ درصد، «ایران-ونزوئلا» با نسبت ۱۵۰ درصد، «ملت» با نسبت ۱۴۱ درصد، «مسکن» با نسبت ۱۳۲ درصد و «پاسارگاد» با نسبت ۱۰۳ درصد، در میان بانک‌های مورد بررسی نسبت تسهیلات به سپرده‌ای بالاتر از ۱۰۰ درصد دارند. این وضعیت بیان‌کننده استفاده از منابعی فراتر از سپرده‌های جذب‌شده از جمله خطوط اعتباری بانک مرکزی و بازار بین‌بانکی برای تأمین مالی تسهیلات است. چنین سطح بالایی از نسبت تسهیلات به سپرده موجب افزایش ریسک نقدینگی و ایجاد چالش‌هایی در تأمین مالی بانک می‌شود.

در مقابل، بانک‌هایی مانند «سرمایه» با نسبت ۲۲ درصد، «دی» با نسبت ۳۳ درصد و «آینده» با نسبت ۳۳ درصد، پایین‌ترین نسبت تسهیلات به سپرده را

مالی به دیگر بازارهای دارایی باشد. این موضوع افزون بر کاهش نقش واسطه‌گری مالی بانک، ممکن است بر تأمین مالی بخش‌های مختلف اقتصادی نیز اثرگذار باشد.

در میان بانک‌های بررسی شده دارند. این ارقام حاکی از اتخاذ سیاست‌های محافظه‌کارانه در اعطای تسهیلات است که می‌تواند ناشی از مشکلات ساختاری این بانک‌ها یا هدایت منابع

نمودار ۳- نسبت تسهیلات به سپرده شبکه بانکی کشور در سال ۱۴۰۲ (درصد)



مأخذ: صورت‌های مالی بانک‌ها منتهی به اسفند سال ۱۴۰۲ و محاسبات پژوهش.

۲- پیامدهای ناترازی بانکی

۱-۲- کاهش تسهیلات بانکی

عمدتاً از منابع بانکی برای تأمین سرمایه در گردش و توسعه استفاده می‌کنند، محدودتر می‌شود. این وضعیت مشکلات عدیده‌ای را برای بخش‌های اقتصادی ایجاد می‌کند و در نهایت، منجر به رکود اقتصادی می‌شود. افزون‌براین، کاهش دسترسی به منابع مالی به‌طور مستقیم بر رشد اقتصادی نیز آثار معکوس خواهد

در شرایط ناترازی بانکی، بانک‌ها به دلیل تنگنای اعتبار قادر به اعطای تسهیلات به بخش‌های مختلف اقتصادی نیستند. این کاهش بدین معناست که دسترسی به اعتبار برای فعالان اقتصادی به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط که

مرکزی» است. آمارها در این خصوص بیان می‌کنند که شبکه بانکی در کشور بنا بر دلایل متعدد که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد، به شکل گسترده‌ای به استقراض از بانک مرکزی پرداخته است. این در حالی است که مطابق نمودار شماره (۴)، این رقم از بالغ بر ۴۱ همت در سال ۱۳۹۰، به رقمی معادل با ۷۷۱ همت در سال ۱۴۰۲ افزایش یافته و رشدی بیش از ۱۷۰۰ درصد را تجربه کرده است. افزون‌براین، بررسی‌های صورت‌گرفته گواهند که بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی، دومین عامل اساسی در بسط پایه پول و رشد بی‌سابقه نقدینگی در کشور است. تداوم این بحران ذیل ناترازی‌های شبکه بانکی که در زمره خلق پول بی‌پشتوانه تلقی می‌شود، به افزایش هرچه بیشتر فشارهای تورمی دامن می‌زند.

داشت؛ به طوری که افزون‌بر کاهش توان تولیدی در چرخه اقتصادی، بر انحراف از مسیر توسعه نیز آثار شایانی خواهد داشت.

۲-۲- افزایش نرخ سود

در شرایط بحران ناترازی بانکی در کشور، از جمله راهکارهای مناسب برای پوشش‌دهی نقدینگی مورد نیاز، جذب سپرده از طریق افزایش نرخ سود بانکی است. این در حالی است که افزایش در این نرخ، پیامدهای اقتصادی خاصی را به همراه خواهد داشت. از جمله مهم‌ترین این موارد، افزایش هزینه استقراض برای وام‌گیرندگان است. این اثر افزون‌بر افزایش هزینه‌های بازپرداخت، به تداوم رقابت در فضای بین بانک‌ها و تثبیت نرخ‌های خارج از عرف منجر خواهد شد.

۲-۳- اضافه‌برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی

از جمله پیامدهای آشکار ناترازی شبکه بانکی در کشور، روند روبه‌رشد «بدهی بانک‌ها به بانک

نمودار ۴- روند اجزای مختلف پایه پولی ۱۴۰۲-۱۳۹۰ (هزار میلیارد ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳.

۳- دلایل ایجاد ناترازی بانکی

معضل ناترازی بانکی بسته به مختصات اقتصادی هر بانک از جمله خصوصی یا دولتی بودن، به جهات مختلفی رخ می‌دهد. در برخی بانک‌ها از جمله بانک‌های خصوصی، تمرکز بر املاک و مستغلات، دارایی‌های نامولد، دارایی‌های موهومی و معوقات بانکی از عوامل اساسی در ناترازی‌ها هستند حال آنکه در برخی دیگر، بدهی‌های دولتی و تسهیلات تکلیفی ریشه اساسی ایجاد این بحران بوده‌اند. با وجود این، مجموعه‌ای از اهم عواملی که موجب عدم توازن در ترازنامه بانک‌ها می‌شود، شامل موارد زیر است.

شکل ۱- اهم دلایل ناترازی شبکه بانکی



مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۳-۱- بنگاه‌داری بانک‌ها

از جمله عوامل مؤثر در ایجاد ناترازی در نظام بانکی که وزیر سابق اقتصاد در دولت چهاردهم^۱ نیز بر

برطرف کردن آن تأکید داشته‌اند، مسئله بنگاه‌داری بانک‌هاست.

بر اساس بند ۳ ماده ۳۴ قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱، این امکان برای شبکه بانکی وجود دارد تا تحت نظارت بانک مرکزی، در خرید سهام و مشارکت در سرمایه‌گذاری‌های مختلف اقدام کند، اما بنا بر دلایلی مانند ضعف نظارتی، این مسئله از حدود خود فراتر رفته است (کریمی وردنجانی و دیگران، ۱۳۹۹). این پدیده به‌ویژه در سال‌های اخیر از جمله چالش‌هایی است که به دلیل فاصله گرفتن بانک‌ها از فعالیت اصلی خود که همان واسطه‌گری مالی است، رخ داده است. در این شرایط بانک‌ها با تملک مستقیم خود در بنگاه‌های اقتصادی یا اخذ سهام آن‌ها، به سمت این بنگاه‌ها هدایت اعتبار داشته‌اند. در نگاه نخست، این موضوع با تخصیص نابهینه منابع، توان اعطای اعتبار شبکه بانکی به دیگر بخش‌های اقتصادی را مختل خواهد کرد. همچنین، بنگاه‌داری این نهادها، بانک‌ها را به رقبای بزرگی برای دیگر صنایع به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط تبدیل می‌کند و انتقال منابع مالی از فعالیت‌های مولد و اشتغال‌زا، به سمت فعالیت‌های غیرمولد و کم‌بازده رخ خواهد داد.

در نهایت، ذیل چنین اقداماتی و پرداختن شبکه بانکی به فعالیت‌های نامولد، نقدینگی در بانک‌ها کاهش می‌یابد و این موضوع با اجبار بانک‌ها به استقراض از بانک مرکزی، به افزایش پایه پول، تورم و ناترازی هرچه بیشتر در شبکه بانکی منجر خواهد شد.

۱. ایسنا، «مصاحبه خبری دکتر همتی؛ وزیر محترم اقتصاد، ۱۴۰۳».

۳-۳- بدهی دولت به شبکه بانکی

این مطالبات که از بدهی دولت به نظام بانکی ایجاد می‌شود، ناشی از اوراق مشارکت دولت و شرکت‌های دولتی (سررسیدشده)، مطالبات تحت تضمین دولت، مطالبات تحت تعهد دولت (بابت سهم سود تسهیلات اعطایی، تبصره‌ای و...) و تسهیلات اعطایی به اشخاص دولتی است. تشکیل این آیتم هم‌زمان با افزایش دارایی و بدهی‌ها موجب بسط ترازنامه‌ای در بانک‌ها می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰). آنچه در این روند موجب ناترازی در شبکه بانکی است، انباشت بدهی‌های دولتی و عدم بازپرداخت وام‌ها در سررسید است که به افت کیفیت دارایی‌های بانک و کاهش در نقدینگی منجر می‌شود. این در حالی است که مطالبات از دولت، بخشی از دارایی‌های سیستم بانکی است که با روندی افزایشی رشد یافته است. آمارها در این خصوص گواهند که از سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲، بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی از مقدار ۴۱ همت در سال ۱۳۹۰، به بیش از ۹۶۸ همت در انتهای سال ۱۴۰۲ افزایش یافته و رشدی بالغ بر ۲۲۰۰ درصد را تجربه کرده است (نمودار شماره ۵).

ناترازی بانکی از منظر امنیت اقتصادی، تهدیدی جدی در پایداری نظام مالی است. در این وضعیت با تخصیص ناعادلانه صورت‌گرفته، منابع مالی در دارایی‌های نامولد، املاک و مستغلات و بنگاه‌های بانکی قفل خواهد شد

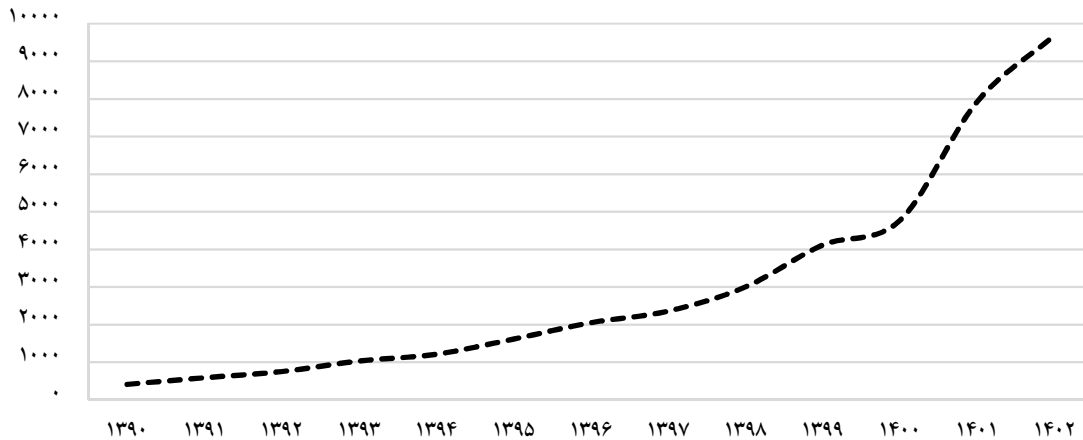
آمارها گواهند بدهی بخش دولتی به شبکه بانکی از مقدار ۴۱ همت در سال ۱۳۹۰، به بیش از ۹۶۸ همت در انتهای سال ۱۴۰۲ افزایش یافته و رشدی بالغ بر ۲۲۰۰ درصد را تجربه کرده است.

۳-۲- تمرکز بانک‌ها بر املاک و مستغلات

در همه کشورها، املاک و مستغلات در شبکه بانکی، دارایی محبوبی به شمار می‌آید. در ایران نیز به واسطه سابقه تاریخی در تمایل به نگهداری دارایی‌های مازاد به صورت مستغلات، این مسئله حائز اهمیت بوده است. این روند همواره و به‌ویژه در سال‌های دهه ۱۳۸۰ [هم‌زمان با رشد بانک‌های خصوصی] و به دلایلی مانند تثبیت نرخ ارز و بروز بیماری هلندی، عمدتاً توسط بانک‌های خصوصی و شرکت‌های تابع آن‌ها، به صورت گسترده اتفاق افتاده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۴۰۰).

با ورود بانک‌ها به این حوزه، همچنان از منظر ترازنامه‌ای توازن در صورت‌های مالی شبکه بانکی وجود خواهد داشت. با این حال، آنچه در این خصوص به ناترازی نظام بانکی منجر می‌شود، رشد قیمت این دارایی‌ها و به‌موازات آن، افزایش سود غیرعملیاتی بانک‌هاست. چنین روندی مشابه با آنچه در بخش بنگاهداری بانک‌ها به تفصیل بیان شد، انگیزه هدایت اعتبارات و منابع مالی بانک به تصرف املاک و مستغلات تحت تملک را افزایش و درنهایت، با کاهش منابع مالی، فعالیت اصلی بانک‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نمودار 5- روند بدهی بخش دولتی به بانکها و مؤسسات اعتباری غیربانکی 1402-1390 (هزار میلیارد ریال)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1403.

3-4- مطالبات غیرجاری

در سیستم بانکداری ایران برخلاف آنچه در بانکداری جهانی مرسوم است، این مطالبات نه تنها به تدریج و با ذخیره‌گیری کافی از ترازنامه بانکها حذف نخواهند شد، بلکه بر آنها سود نیز شناسایی می‌شود. بروز مطالبات غیرجاری ناشی از نکول در بخش حقیقی است، اما باید در نظر داشت بخشی از رشد غیرطبیعی این مطالبات در ایران که در سطح جهانی نیز کم سابقه است، ناشی از روش‌های نادرست در شیوه‌های حسابداری است که در نهایت، به انباشت هرچه بیشتر دارایی‌های موهومی منجر می‌شود (شهابی و همکاران، 1402). این وضعیت به ویژه هنگامی بحرانی تر می‌شود که بانکها قادر به شناسایی و مدیریت ریسک ناشی از این مطالبات نباشند که ترازنامه آنها با اخلاص روبه‌رو می‌شود. آمارها در خصوص این نسبت در ایران مطابق با نمودار شماره (6) بیان می‌کنند که درصد تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی شبکه بانکی، از 15/1 درصد در سال 1390، به رقم 8/8 درصد در

همان‌طور که در ابتدا نیز به این مورد پرداخته شد، بخشی از تسهیلات اعطایی بانکها به دلایلی مانند تأخیر در بازپرداخت یا نکول، قابلیت وصول آنها در خطر است. این مسئله به‌طور قطع موجب بروز چالش‌هایی در جریان نقدینگی و ترازنامه بانکها می‌شود.

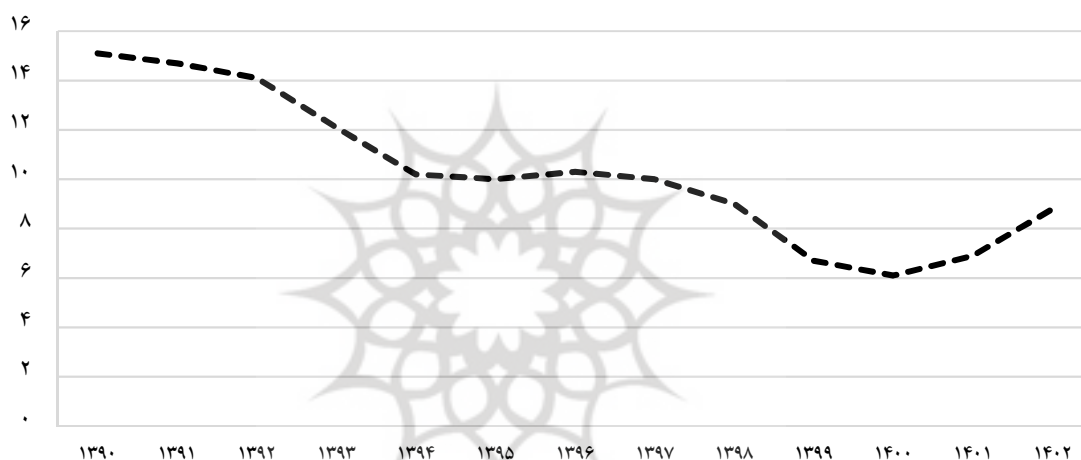
اساس فعالیت بانکداری بر گردش وجوه است و هنگامی که وجوه وام داده‌شده در زمان مقرر به چرخه عملیات عادی بانک بازنگردد، تعادل زمانی دارایی‌ها و بدهی‌های بانک دچار مشکل و بانک با ریسک نقدشوندگی مواجه می‌شود. بنابراین، افزایش مطالبات غیرجاری، توان و تمایل بانکها برای اعطای اعتبار به بخش‌های اقتصادی را کاهش می‌دهد. افزون‌براین، به دلیل خشکی اعتبار، بانکها برای اعطای تسهیلات به طرح‌ها و سرمایه‌گذاری‌های جدید که به‌طور بالقوه ریسک و بازده بالاتری دارند، انگیزه کمتری خواهند داشت (پژوهشکده پولی و بانکی، 1393).

که در دهه اخیر به طور میانگین با درصدهای به مراتب پایین تری از مطالبات غیرجاری روبه رو بوده اند (مرکز پژوهش های اتاق ایران، ۱۴۰۳)، حاکی از چالش های جدی در بانکداری ایران است؛ به گونه ای که درصد بالای مطالبات غیرجاری همچنان مانع توانایی بانک ها در اعطای تسهیلات به بخش های اقتصادی و طرح های جدید می شود.

سال ۱۴۰۲ کاهش یافته است. باین حال، این میزان هنوز فاصله معناداری با استانداردهای بین المللی که رقمی معادل با ۲ تا ۵ درصد است، دارد و این شکاف به وضوح نشان دهنده وضعیت بحرانی و حاد سیستم بانکی در کشور است.

این وضعیت به ویژه در مقایسه با کشورهای اسلامی دیگر مانند امارات، ترکیه، عربستان و مالزی

نمودار ۶- روند نسبت تسهیلات غیرجاری به کل تسهیلات اعطایی شبکه بانکی ۱۳۹۰-۱۴۰۲ (درصد)



مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۴۰۳.

در چنین وضعیتی، نقدینگی ایجاد شده در نظام بانکی فاقد پشتوانه لازم است؛ به گونه ای که می توان آن را در گروه نقدینگی بدون پشتوانه طبقه بندی کرد. در این حالت گرچه توازن ظاهری و صوری در تراز مالی شبکه بانکی ایجاد می شود، در عمل به دلیل استفاده از رویه های حسابداری غیر واقعی در ترازنامه بانک ها، معضل ناترازی همچنان وجود خواهد داشت. تداوم چنین وضعیتی سبب می شود افزون بر ایجاد تهدید جدی در سلامت نظام بانکی، بخش اسمی و حقیقی اقتصاد کلان هم متأثر شود (بدری و

۳-۵- دارایی های موهومی

این معضل به ویژه در سال های اخیر به یکی از چندین عامل مهم و اثرگذار بر ناترازی شبکه بانکی تبدیل شده است. کیفیت دارایی های بانک افزون بر آنکه بر ترکیب بدهی ها مؤثر است، بر وضعیت نقدینگی در سیستم بانکی و کل اقتصاد نیز تأثیرگذار است. در سال های اخیر انباشت دارایی های موهومی در ترازنامه بانک ها که عملاً قدرت نقدشوندگی کافی در آن ها وجود ندارد، به شکل گیری چرخه ای ناسالم از نقدینگی منجر شده است.

در این راستا، در چارچوب برنامه ششم توسعه، ذیل ماده ۱۴، برنامه‌ریزی‌هایی برای ارتقا سلامت و کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات در نظر گرفته شد. از جمله این تدابیر می‌توان به تفویض اختیارات گسترده‌تر - افزون‌بر اختیارات قانونی ذیل قانون پولی و بانکی مصوب ۱۳۵۱- به بانک مرکزی با اعمال محدودیت‌هایی مانند ممنوعیت توزیع سود و اندوخته‌ها میان سهام‌داران مؤثر، سلب حق تقدم خرید، تعلیق موقت مجوز برخی فعالیت‌ها و محدودیت در پرداخت پاداش مدیران اشاره کرد. همچنین، بر اساس ماده ۱۰، دولت مجاز شد که به منظور تعمیق نظام تأمین مالی، بدهی‌های خود به اشخاص حقیقی و حقوقی را از طریق انتشار اوراق بهادار و با جلب رضایت طلب‌کاران تسویه کند.

در ماده ۱۹ نیز به مسئله افزایش سرمایه بانک توسعه تعاون پرداخته شده است؛ به گونه‌ای که در این راستا، تدابیر افزایش سرمایه این بانک از محل فروش اموال مازاد وزارت تعاون و واریز آن به خزانه‌داری کل کشور در قالب قوانین بودجه سنواتی به حساب افزایش سرمایه دولت در بانک مذکور صورت گرفت. مطابق با این برنامه‌ریزی و در اقدامی مؤثر، در سال ۱۴۰۲ (در چارچوب تمدید برنامه ششم)، فروش سهام پتروشیمی امام‌خیمینی شازند انجام شد؛ به گونه‌ای که در این فرایند، مبلغ ۳۰ هزار میلیارد ریال سرمایه بانک افزایش یافت. به دنبال اجرای رویه‌های مطلوب در خصوص افزایش سرمایه و واگذاری‌ها در این بانک، سرمایه بانک از ۲۸ هزار میلیارد ریال

زمان‌زاده، (۱۳۹۷). از جمله آثار مخرب این دست از ناترازی‌ها، افت توان اعطای اعتبار بانک‌هاست. این اثر با تنگنای اعتبار در بخش تولید، به کاهش رشد اقتصادی و ایجاد رکود، دامن می‌زند.

۳-۶- فقدان نظارت مؤثر توسط نهاد ناظر

فقدان نظارت مؤثر بانک مرکزی بر شاخص‌های سلامت شبکه بانکی از جمله دلایلی است که در سال‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای در نظام بانکی ایران مشاهده شده است. ضعف در شفافیت گزارش‌دهی شبکه بانکی، عدم اجرای مؤثر قوانین و مقررات نظارتی و نیز فشارهای سیاسی بر بانک مرکزی موجب شده است نظارت دقیق و مؤثری از سوی نهاد ناظر صورت نگیرد؛ به گونه‌ای که تداوم این شرایط، تهدید جدی در ثبات مالی کشور ایجاد می‌کند.

۴- سیاست‌گذاری‌های انجام‌شده در راستای کنترل ناترازی بانکی

ناترازی بانکی در ایران از جمله چالش‌های نظام مالی به شمار می‌رود که بنا بر دلایلی که در بخش پیشین معرفی شد، ریشه در عملکرد بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های خصوصی، سیاست‌های مالی دولت و نارسایی‌های نظارتی دارد. بررسی‌های انجام‌شده بیان می‌کند که به‌رغم تدوین تدابیری در برنامه‌های پیشین توسعه‌ای، ضعف در اجرای مؤثر و عدم سیاست‌گذاری‌های مطلوب در این حوزه موجب شده است که بحران ناترازی بانکی با شاخص‌هایی که در ابتدا مطرح شد، تا امروز حل‌نشده باقی بماند.

دارایی شبکه بانکی و نظارت بر عملکرد مؤسسات اعتباری در دستور کار قرار گرفته است. در ماده ۹ این برنامه، تدابیری برای ارتقای شفافیت و سلامت نظام بانکی، کاهش نسبت مطالبات غیرجاری به تسهیلات و نظارت کامل بر عملکرد مؤسسات اعتباری پیش‌بینی شده است.

با توجه به سیاست‌گذاری‌ها و رویه‌های محدود در زمینه ناترازی که در این بخش بدان پرداخته شد، ضرورت اتخاذ سیاست‌گذاری‌های بالفعل و اقدامات جدی برای حل بحران ناترازی بانکی در کشور به‌وضوح احساس می‌شود. با توجه به روشنی دلایل اصلی این ناترازی و تأکیدات متعدد برنامه‌های توسعه در این خصوص، لازم است سیاست‌های عملیاتی و مؤثر به‌منظور حل ریشه‌ای بحران اتخاذ شود. لازم است این سیاست‌ها به‌طور مستقیم بر مشکلات ساختاری و عملکردی سیستم بانکی تمرکز کنند و در راستای اجرای اصلاحات جامع و بلندمدت، به‌طور مستمر و جدی پیگیری شوند.

۵- ملاحظات امنیت اقتصادی

ناترازی بانکی از منظر امنیت اقتصادی، تهدیدی جدی در پایداری نظام مالی است. در این وضعیت با تخصیص ناعادلانه صورت‌گرفته، منابع مالی در دارایی‌های نامولد، املاک و مستغلات و بنگاه‌های بانکی قفل خواهد شد؛ به‌طوری‌که از توان بانک‌ها در

به ۶۲ هزار میلیارد ریال افزایش یافت^۱ و کفایت سرمایه در این بانک که تا پیش از آن منفی بود، در پایان سال ۱۴۰۲، به رقم ۵/۹ درصد رسید. این رویه در خصوص بانک‌های تحت مدیریت وزارت امور اقتصادی و دارایی^۲ نیز که از سال ۱۳۹۴ هم‌زمان با شروع قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر، در دستور کار قرار گرفته بود، تا بهمن سال ۱۴۰۲ ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که رقمی بالغ بر ۱۳۰ همت از فروش سهام غیربانکی و اموال مازاد به دست آمد^۳. همچنین، تا انتهای این سال، سیاست‌های اصلاحی در حوزه ادغام و انحلال بانک‌های مشکل‌دار نیز دنبال شد؛ به‌گونه‌ای که مؤسساتی مانند نور، توسعه و کاسپین در فرایندهای قانونی تعیین تکلیف شدند.

در برنامه هفتم توسعه نیز کنترل ناترازی بانکی از اولویت‌های اساسی تلقی شده است. ازجمله اهداف کلیدی در این برنامه، دستیابی به کفایت سرمایه حداقل ۸ درصدی و کاهش اضافه برداشت غیرمجاز شبکه بانکی از بانک مرکزی سالانه معادل با ۲۰ درصد تا انتهای برنامه هفتم است. در این راستا، طبق ماده ۸، الزام شبکه بانکی به افزایش سرمایه، درج اطلاعات املاک و مستغلات شبکه بانکی در سامانه املاک و مستغلات، درج اطلاعات سهام و یا سهم-الشرکه بانکها در شرکت‌ها در سامانه سهامداری شبکه بانکی، واگذاری دارایی‌های مازاد اظهارنشده توسط بانک‌های ناتراز در چارچوب شرکت مدیریت

۱. <https://ttbank.ir/fa/news/1625684-.html>.

۲. این بانک‌ها شامل بانک‌های ملت، تجارت، صنعت و معدن، کشاورزی، توسعه صادرات، صادرات، قرض‌الحسنه مهر ایران و اقتصاد نوین بودند.

۳. ایرنا، «۷ اقدام وزارت اقتصاد برای رفع ناترازی نظام بانکی، ۱۴۰۲».

ساختار اقتصادی آسیب‌زاست، کارایی نهادهای مالی را نیز کاهش می‌دهد. به موازات آن، به دلیل کاهش نظارت و کنترل مؤثر بر عملکرد بانک‌ها، این مسئله می‌تواند زمینه‌ساز سوءاستفاده‌های کلان مالی، اختلاس و توزیع ناعادلانه منابع شود. بنابراین، لازم است اعمال راهکارهای تخصصی برای حل این مشکل در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گیرد.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد راهکارها

ناترازی شبکه بانکی در ایران یکی از چالش‌های اساسی بوده که افزون‌بر تأثیر منفی بر ساختار نظام بانکی، تهدید جدی برای امنیت اقتصادی داخلی را نیز به همراه داشته است. مشکلاتی مانند خلق بی‌ضابطه نقدینگی، افزایش بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی و عدم توانایی آن‌ها در تأمین منابع مالی برای بخش‌های مولد، ناترازی را به یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های اقتصادی تبدیل کرده است. از مهم‌ترین پیامدهای این بحران می‌توان به افزایش نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم اشاره کرد که به‌ویژه با خلق پول بدون پشتوانه، فشار تورمی دوجندانی بر جامعه وارد کرده است. در کنار این اثر، کاهش تسهیلات بانکی نیز یکی از پیامدهای جدی در ناترازی شبکه بانکی است. در شرایط موجود، بانک‌ها با مواجهه با تنگنای اعتبار، تسهیلات کمتری به فعالان اقتصادی اعطا می‌کنند؛ به طوری که با محدود شدن سرمایه‌گذاری‌های جدید و منابع هدایت‌شده به کسب‌وکارها، به رشد

اعطای اعتبار به بخش‌های مولد اقتصادی کاسته می‌شود. از این رو با فاصله گرفتن بانک‌ها از نقش اصلی خود که همان واسطه‌گری مالی است، کاهش در سرمایه‌گذاری‌ها، کاهش در رشد و اختلال در مسیر توسعه رخ خواهد داد.

افزون‌براین، این معضل با افزایش ریسک سیستم بانکی، تهدید مالی را نیز به همراه خواهد داشت. دارایی‌های منجمد بانکی، قدرت نقدشوندگی پایینی دارند؛ به طوری که در صورت وقوع بحران‌های اقتصادی یا شوک‌های مالی، با از دست دادن توان ایفای تعهدات مالی، بحران نقدینگی و فروپاشی سیستم بانکی را به همراه خواهند داشت.

از سوی دیگر، بانک‌های ناتراز با برهم زدن تعادل مالی، فشار دوجندانی را بر سیاست‌های پولی وارد می‌کنند. در شرایط بحرانی، این ناترازی به تنگنای اعتبار یا حتی بحران‌های بانکی منجر می‌شود؛ به گونه‌ای که بانک مرکزی را نیز ناگزیر به مداخله خواهد کرد. نتیجه این مداخلات، افزایش تورم و به دنبال آن، کاهش رشد اقتصادی خواهد بود که در نهایت، ثبات اقتصادی را به چالش خواهد کشاند.

چنین شرایطی بستری لازم برای فساد و سوءاستفاده‌های مالی را ایجاد می‌کند. فعالیت‌های غیراصولی بانک‌ها مانند خرید و فروش املاک و مستغلات، مدیریت دارایی‌های غیرمولد و منجمد و بنگاه‌داری‌ها، فضای مساعدی برای فساد در جامعه ایجاد می‌کند. این فساد افزون‌براینکه برای

راهکارهای پیشنهادی برای برطرف کردن این موضوع پرداخته می‌شود.

- نظارت بر شاخص‌های کلیدی و اعمال

محدودیت بر بانک‌های خاکی: از جمله ابزارهای

کلیدی در نظارت و رصد عملکرد شبکه بانکی، سامانه‌محوری و نظارت نهاد ناظر از طریق سامانه‌های برخط بر شاخص‌های کلیدی سلامت نظام بانکی شامل نسبت کفایت سرمایه، نسبت وام به سپرده و نسبت مطالبات غیرجاری است. در کنار نظارت و به تبع آن شناخت بانک‌های خاکی، اعمال اقدامات تنبیهی از جمله اعمال محدودیت‌های رشد ترانزنامه‌ای، تعلیق مجوزها، محدودیت عملکرد مدیران و... در راستای کنترل معضل ناترازی شبکه بانکی مؤثر خواهد بود.

- الزام به خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری و فروش

دارایی‌های مازاد: تحقق این هدف، نیازمند اخذ

تدابیر و اقدامات خاص در سطوح سیاست‌گذاری، نظارت و اجرای صحیح فرایند است. ابتدا لازم است قوانین و مقررات دقیق ناظر بر الزام بانک‌ها به خروج از بنگاه‌داری و فروش دارایی‌های مازاد تنظیم شود. پس از آن، با اعمال نظارت از سوی بانک مرکزی، لازم است به تدریج و طبق برنامه‌ریزی‌های زمان‌بندی‌شده، فروش دارایی‌ها و واگذاری بنگاه‌ها انجام شود تا از اختلال‌های احتمالی در روند بازار نیز جلوگیری به عمل آید. به منظور تسهیل فروش نیز لازم است بازاری شفاف و کارآمد ایجاد شود. در این راستا، تسهیل فرایندهای قانونی و بهبود زیرساخت‌های بازار با

و توسعه اقتصادی ضربات جدی وارد شده است. در این راستا، برای جبران کمبود نقدینگی در شبکه بانکی، استقراض این نهادها از بانک مرکزی افزایش یافته است. این موضوع با اثرگذاری مستقیم بر پایه پول و بسط آن، به افزایش فشارهای تورمی منجر شده است.

بررسی‌های پژوهش در خصوص سیاست‌های اصلاح ناترازی بیان می‌کند که با وجود برنامه‌های متعدد در این حوزه، تا امروز تغییرات معناداری در بهبود وضعیت شبکه بانکی ایجاد نشده است؛ به طوری که بر اساس شاخص‌های مورد بررسی، ضعف‌های جدی در این زمینه باقی مانده است. برای مثال، نسبت کفایت سرمایه در بسیاری از بانک‌ها به رغم اصلاحات جزئی در سال‌های اخیر و افزایش سرمایه برخی بانک‌ها، هنوز در سطح مطلوب قرار ندارد. بسیاری از بانک‌ها به‌ویژه بانک‌های خصوصی با محدودیت‌هایی در مواجهه با ریسک‌ها و بحران‌های احتمالی روبرو هستند. همچنین، نسبت مطالبات غیرجاری در بسیاری از بانک‌ها همچنان بالاست و این موضوع وضعیت را بحرانی‌تر کرده است.

این ناترازی ناشی از ترکیب دلایل مختلف است. ضعف نظارتی، بنگاه‌داری بانک‌ها، تمرکز بر املاک و مستغلات، بدهی‌های دولتی، مطالبات غیرجاری و دارایی‌های موهومی از جمله این دلایل هستند. با این وصف، افزون‌بر برنامه‌های توسعه‌ای، ضروری است راهکارهای کلیدی برای حل تک‌تک این مشکلات معرفی و اجرایی شوند. در ادامه، به مهم‌ترین

مانند انگلستان و آلمان هم‌اکنون نیز در حال اجراست، در نظارت مؤثر بانک مرکزی بر شبکه بانکی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

از جمله مفاهیم کلیدی در رویکرد IFRS، ارزش‌گذاری دارایی‌ها بر اساس قیمت منصفانه است. چنین رویه‌ای این الزام را برای شبکه بانکی ایجاد می‌کند تا با ارائه وضعیتی دقیق از دارایی‌ها و بدهی‌های ترازنامه به‌طور شفاف، به حیات خود ادامه دهد.

– سازوکارهای بازار؛ رتبه‌بندی بانک‌ها و تأثیر آن بر رقابت و اعتماد عمومی: یکی دیگر از اقدامات لازم برای کنترل بحران ناترازی بانک‌ها، رتبه‌بندی بر اساس داده‌های سیستمی و برخاسته است. این سیستم این امکان را در اختیار سپرده‌گذاران می‌گذارد تا با ایجاد شفافیت اطلاعاتی و رصد وضعیت دقیقی از سلامت بانک‌ها به‌طور آنی، مناسب‌ترین بانک را برای سپرده‌گذاری انتخاب کنند.

چنین فرایندی امکان تجهیز و تخصیص بهینه منابع مالی را در اختیار مشتریان و سرمایه‌گذاران قرار می‌دهد. افزون‌براین، با ایجاد شفافیت، رقابت نیز در شبکه بانکی افزایش خواهد یافت و دست‌نامرئی بازار به بهترین وجه ممکن عمل خواهد کرد.

– حذف دارایی‌های سمی از ترازنامه بانک‌ها و تأسیس صندوق تثبیت مالی: این دارایی‌ها به‌عنوان دارایی با وزن مرده در ترازنامه بانکی شناخته می‌شوند و در کنار کاهش اعتبار بانک‌ها، با افزایش هزینه‌ها، در نهایت، به کاهش کارایی بانک‌ها منجر می‌شوند. در این راستا، رویکرد ایجاد صندوق تثبیت مالی به‌عنوان راهکاری مؤثر برای تقویت هرچه بیشتر

سرعت‌بخشی به فروش دارایی‌ها، ضروری خواهد بود.

پس از فروش دارایی‌های منجمد و خروج از بنگاه‌داری، منابع آزادشده به فعالیت‌های اصلی بانک‌ها ذیل اعطای اعتبار، سرمایه‌گذاری در طرح‌های سودآور و تقویت سرمایه‌گذاری‌ها در بخش‌های مولد اقتصادی باز خواهد گشت. چنین اقدامی با کاهش ناترازی‌های شبکه بانکی، به بهبود کارایی و اثربخشی شبکه بانکی در کلیت نظام اقتصادی کمک شایانی خواهد کرد.

– الزام محدودیت‌های هدفمند بر تسهیلات پرریسک: برخی بانک‌ها ممکن است به دلایلی از جمله کسب بازدهی‌های بالاتر، به بخش‌های با ریسک بالا یا دارای ترازنامه‌های ضعیف مانند برخی بنگاه‌های کوچک، هدایت اعتبار داشته باشند. این بخش‌ها به دلیل عدم ثبات در شرایط مالی، در معرض ریسک بالای نکول و نیز بحران‌های اقتصادی هستند. از جمله اقدامات مؤثر برای پیشگیری از این موارد، نظارت بیشتر بانک مرکزی و الزام بانک‌ها به اعتبارسنجی‌های صحیح، ذخیره‌گیری بالاتر و اخذ وثایق قابل اطمینان از مشتریان پرریسک شبکه بانکی است.

– اصلاح استانداردهای گزارش‌دهی و بهبود شفافیت اطلاعاتی: از جمله اقدامات مؤثر در راستای کاهش ریسک و حفظ سلامت نظام بانکی، الزام به گزارش‌دهی شفاف شبکه بانکی به نهاد ناظر مطابق با استانداردهای مالی بین‌المللی و به‌روز مانند سیستم IFRS است. این رویکرد که در بسیاری از کشورها

- پیگیری روبه‌های ادغام و انحلال: در مرحله نخست، لازم است بانک‌های با بحران مالی جدی و ناتوان در بازپرداخت بدهی‌ها در فرایندی فارغ از مداخله بانک مرکزی و ایجاد فشار مالی بر منابع عمومی، از چرخه شبکه بانکی حذف شوند.

پس از انحلال بانک‌های پرریسک لازم است ادغام بانک‌های باقی‌مانده با یکدیگر در دستور کار قرار گیرد. این فرایند به تقویت بانک‌های دارای توان مالی بالا کمک می‌کند و موجب افزایش کارایی، کاهش هزینه‌ها و بهبود قدرت اعتباری بانک‌ها خواهد شد. در نتیجه، شبکه بانکی قادر به مدیریت مؤثرتر بحران‌های مالی و کاهش ریسک‌های نظام‌مند خواهد بود.

اجرای این راهکار ترکیبی از سویی موجب پاک‌سازی سیستم بانکی از بانک‌های زیان‌ده و غیرعملیاتی می‌شود و از سوی دیگر، با تقویت و بهینه‌سازی عملکرد بانک‌های سالم، به پایداری و سلامت شبکه بانکی کمک خواهد کرد. این رویکرد در نهایت، به تقویت اعتماد عمومی به سیستم بانکی و کاهش وابستگی به منابع دولتی و بانک مرکزی منتهی خواهد شد.

- تقویت نقش بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد: از جمله اقدامات کلیدی که در کاهش وابستگی بخش‌های اقتصادی به منابع اعتباری مؤثر است، تقویت نقش بازار سرمایه در فرایند تأمین مالی است. ابزارهای مالی مانند اوراق قرضه، ابزارهای مشتقه، صکوک و مانند آن، افزون‌بر توسعه بازارهای مالی و ایجاد عمق در بازار سرمایه، در هدایت هرچه بهتر منابع نیز کمک شایانی خواهد کرد.

سرمایه بانک‌ها ضروری خواهد بود. این صندوق با خارج کردن دارایی‌های سمی از شبکه بانکی و تبدیل آن‌ها به وجه نقد، به بازسازی ترازنامه بانک‌ها و احیای سیستم مالی کمک شایانی خواهد کرد.

یکی از جنبه‌های مثبت در این اقدام، عدم مداخله بخش دولتی در تأمین مالی است. در این رویه، مداخله دولت در حدود اعطای تضامین است و همه بار تأمین مالی به واسطه بخش خصوصی خواهد بود. در این فرایند بدون اعمال فشار بر بانک مرکزی و حتی دولت، دارایی‌های نقدی شبکه بانکی با فروش دارایی‌های سمی افزایش خواهد یافت و در کنار آن، فشار تورمی نیز ایجاد نخواهد شد.

- تقویت ترازنامه بانک‌ها: تقویت ترازنامه بانک‌ها با ایجاد منابع مالی از جمله اقدامات کلیدی برای ایجاد ثبات مالی و ارتقای تاب‌آوری در شبکه بانکی است. در این راستا، استفاده از منابع بخش خصوصی از طریق انتشار سهام جدید یا حق تقدم‌های سهام از جمله راهکارهایی است که ضمن ارتقای توان مالی بانک‌ها، از وابستگی آن‌ها به منابع بانک مرکزی و به‌موازات آن چاپ پول و آثار تورمی، به‌طرز مؤثری جلوگیری می‌کند.

در کنار این مورد، به‌هنگام شرایط بحرانی و وجود کفایت سرمایه منفی در بسیاری از بانک‌ها، کاهش سود تقسیمی و اعمال ذخیره بر سود نیز از جمله راهکارهای مؤثر در ایجاد منابع مالی است.

از سوی دیگر، بهینه‌سازی فرایندها، استفاده از فناوری‌های نوین، افزایش بهره‌وری و کاهش هزینه‌های زائد عملیاتی نیز از جمله راهکارهای افزایش کارایی منابع بانکی خواهد بود.

منابع

- کریمی وردنجانی، رضا؛ حسن‌زاده سروستانی، حسین؛ و قوام، محمدحسین؛ و غفاری، امیر (۱۳۹۹). شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر ایجاد پدیده بنگاه‌داری در نظام بانکی جمهوری اسلامی ایران و تبیین پیامدهای حاصل از آن. *تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۱(۱)، ۳۷۷-۴۱۰.
- DOI: 10.30497/ifr.2020.75396
- مرکز پژوهش‌های اتاق ایران (۱۴۰۳). تحلیل‌های اقتصاد کلان: وضعیت متغیرهای پولی و بانکی ایران؛ تحلیل ریشه‌ها، راهبردها و سیاست‌های پیشنهادی. ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های اتاق ایران.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۴۰۰). گزارش بررسی وضعیت ناترازی بانک‌ها و راهکارهای اصلاح آن. ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- نهاد ریاست‌جمهوری و سازمان برنامه و بودجه (۱۳۹۶). لایحه برنامه ششم توسعه.
- نهاد ریاست‌جمهوری و سازمان برنامه و بودجه (۱۴۰۲). لایحه برنامه هفتم توسعه.
- www.cbi.ir
- www.amar.org
- ایرنا (۱۴۰۲). ۷ اقدام وزارت اقتصاد برای رفع ناترازی نظام بانکی. قابل مشاهده در: <https://www.irna.ir/news/85414185>
- ایسنا (۱۴۰۳). مصاحبه خبری دکتر همتی، وزیر امور اقتصادی و دارایی. قابل مشاهده در: <https://isna.ir/fa/news/1199998/>
- بانک توسعه تعاون (۱۴۰۲). ارتقای شاخص‌های عملکردی بانک توسعه تعاون با مشارکت جمعی کارکنان میسر می‌گردد. قابل مشاهده در: <https://ttbank.ir/fa/news/1625684-.html>
- بدری، احمد؛ و زمان‌زاده، حمید (۱۳۹۷). تحلیل آثار ناترازی ترانزنامه نظام بانکی بر متغیرهای پولی و راهکارهای تعدیل این ناترازی. پژوهش‌های پولی-بانکی، ۱۰(۳۴)، ۶۲۱-۶۵۶.
- پژوهشکده پولی و بانکی (۱۳۹۳). گزارش مطالبات غیرجاری یا دارایی‌های مسموم بانک‌ها. ایران، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
- شهابی، وحید؛ تهامی‌پور، سیدرضا؛ شهابی، علی؛ و امیری، محمد (۱۴۰۲). بررسی روند شکل‌گیری پدیده ناترازی در بانک‌های ایران و ارائه راهکارهای مقابله با آن. *نظریه‌های کاربردی اقتصاد*، ۱۰(۴)، ۱۷۳-۲۰۴.
- DOI: 10.22034/eco.j.2024.58210.3229
- فراهانی، طیبه؛ و صبوری، مجید (۱۳۹۹). تأثیر کفایت سرمایه، ساختار سرمایه و نقدینگی بر عملکرد مالی بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار. *اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۹(۳۱)، ۲۶۲-۲۴۷.